

فصل اول:

مباحث پایه در تاریخ صدر اسلام

۱. تعریف تاریخ

نعت: شناساندن وقت از ریشه (أَرَّخَ يَأَرِّخُ تَارِيخًا)

علم تاریخ: علمی که حاوی ذکر وقایع و حوادث است.

اصطلاح: علم به وقایع و حوادث و اوضاع و احوال زندگی انسان ها و ملت ها در گذشته و تدوین آن ها

عناصر اصلی تاریخ: (انسان - زمان - مکان)

مجموعه ای از اطلاعات درباره تاثیر و تاثر انسان

شامل: هدایت- گمراهی- سازندگی- ویرانگری- رفتارهای عادلانه و ستمگرانه

۲. ارزش ذخایر تاریخی

منابع تاریخی اقوام و ملل، همانند منابع و ذخایر روی زمین و زیر زمینی، اگر درست استخراج و بهره برداری شود مفید و آموزنده است و می تواند عامل ترقی و پیشرفت یک ملت محسوب شود.

اسلام غنی ترین ذخایر تاریخی بشر را در میان ادیان دارد و تشیع غنی ترین ذخایر سازنده ی تاریخ را در مذاهب دارد.

۳. قرآن منبع تاریخ اسلام

یکی از منابع اصلی تاریخ اسلام قرآن است ولی کتاب تاریخ محض نیست بلکه کتابی جامع است (اعتقادی، اقتصادی، اخلاقی، سیاسی، تربیتی، حقوقی و نظامی و...)

بخش قابل توجهی از قرآن، مسائل تاریخی است: تاریخ اقوام مختلف، مبارزات انبیاء و مردان حق در برابر ستمگران و علل ترقی و انحطاط ملت ها

هدف قرآن از بازگویی حوادث تاریخی:

هدایت و تربیت انسان ها و عبرت آموزی است.

فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ (حشر ۲)

فَاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (اعراف ۱۷۶)

۴. عوامل تحرک تاریخ

عامل اصلی تحولات بنیادین و زیربنای تحولات تاریخی:

✓ مارکسیسم: هگل	بشر
مارکس	اقتصاد و تکامل ابزار تولید
✓ زیگموند فروید	غریزه ی جنسی
✓ آدلر و نیچه	غریزه ی برتری و قدرت طلبی
✓ فرانسیس بیکن	مراحل رشد علم

* غفلت تمام مکتب های مادی از بعد معنوی، قدرت ایمان و ایثار و اراده و استقامت مردان حق و انبیا و طبقه ی محروم

عوامل سازنده و محرک تاریخ:

- ۱- نقش انبیا و رهبران بزرگ الهی و مذهب و دین
- ۲- هجرت و مهاجرت ها
- ۳- نوابغ و شخصیت های بزرگ علمی، سیاسی، نظامی و...
- ۴- حب جاه و ریاست طلبی و خود خواهی
- ۵- افزایش جمعیت و پدید آمدن نیازها و خواسته های جدید

تقسیمات تاریخ

الف) تاریخ نقلی

تحریر و بیان وقایع و حوادث و احوال انسان ها در گذشته بدون تحلیل و بررسی عقلی مثل تاریخ طبری
خصوصیات تاریخ نقلی:

- ❖ جزئی نگر و فردی است نه کلی نگر و عمومی
- ❖ علم به نقلیات است نه تحلیل آن
- ❖ علم به بودن هاست، نه به شدن ها
- ❖ به گذشته تعلق دارد نه به آینده

ب) تاریخ تحلیلی یا تاریخ علمی

علم به قواعد و سنن حاکم بر زندگی انسان های پیشین که از مطالعه و بررسی حوادث و وقایع گذشته به دست آمده است.
توجه به راز شکست یا پیروزی گذشتگان و بهره گیری از تجربیات آنان که با سرنوشت افرادی که در حال و آینده زندگی می کنند مرتبط می شود. پل از گذشته به حال و آینده

مثل: المقدمة (ابن خلدون)، تجارب الامم (ابن مسکویه)

خصوصیات تاریخ تحلیلی:

- ❖ علم به کلیات است.
- ❖ بررسی مسائل عقلی و تحلیلی است.
- ❖ علم به شدن هاست.
- ❖ علم به موضوعاتی است که به آینده مربوط می شود. (مثل نکات قوت و تجربیات مفید)

ج) فلسفه تاریخ

علم به تحولات و تطورات تاریخ و جامعه از مرحله ای به مرحله ی دیگر و علم به قوانین حاکم بر آن ها

➤ فلسفه نظری تاریخ: تاریخ از کجا شروع شده؟ به کجا می رود؟ محرک تاریخ چیست؟

➤ فلسفه ی علم تاریخ: هر علمی می تواند فلسفه ای داشته باشد در مورد علم تاریخ صحبت می کند.

منابع برای مطالعه: سنت های تاریخ در قرآن شهید صدر، بینش تاریخی قرآن یعقوب جعفری، تاریخ اسلام آیتی

۶. روش تاریخی قرآن

قرآن نخست حوادث تاریخی اقوام و ملل را نقل می کند سپس به نکات تحلیلی آن می پردازد، تا علل و قواعد و سنن کشف شده ی آن را تعمیم دهد.

برای مثال می گوید: «آیا در زمین سیر نمی کنید تا ببینید عاقبت کسانی که پیش از شما می زیستند و» (محمد ۱۰)

قرآن علاوه بر نقل تاریخ و تحلیل آن به فلسفه تاریخ و جامعه شناسی هم پرداخته است.

از مطالعه ی قرآن سه حقیقت مهم به دست می آید:

۱. تاریخ قانونمند است. (سنن الهی)

۲. تاریخ همواره دو سو دارد: یکی خدا یکی انسان

۳. تاکید بر اراده و اختیار انسان

۷. تاریخ و مرگ تمدن ها

تمدن ها هم مانند انسان تولد، رشد و نمو و مرگ و یا پیری زودرس دارند.

به نظر مورخان و جامعه شناسان تاکنون بیش از بیست تمدن و فرهنگ در جوامع بشری راه سقوط پیموده اند.

علل این سقوط ها: ظلم و فساد، کفران نعمت، عیاشی و هرزگی، فساد سران حاکم و رفاه زدگی بی جا بوده است.

«آرنولد توین بی» مورخ انگلیسی در کتاب «تمدن در بوته آزمایش» ظلم و جور حکومت ها را عامل اصلی سقوط می داند.

از نظر قرآن جامعه و تاریخ نیست که انسان رامی سازد بلکه انسان ها هستند که با ایمان و اراده همسو با سنن الهی، جامعه و تاریخ را می سازند.

۸. رویکرد خاورشناسان به تاریخ اسلام

ایجاد کرسی های شرق شناسی در فرانسه و دیگر کشورهای غربی، ترجمه قرآن از قرن ۱۲ میلادی، مطالعات جدی و عمیق در مورد اسلام و مناطق مسلمان نشین

دو ایراد و اشکال بر کار خاورشناسان:

۱- وابستگی به استعمار

۲- اشتباه، غرض ورزی و تحریف

تاریخ عرب «فیلیپ خلیل حتی»، تمدن اسلام و عرب «گوستاویلون فرانسوی»، تاریخ تمدن اسلام «جرجی زیدان مسیحی»، العقیده والشریعه فی الاسلام «گلدزیه یهودی»، الحضاره الاسلامیه فی قرن الرابعه «آدام متز»

۹. فواید تاریخ اسلام:

برخی از فواید عمومی تاریخ:

۱- ناقل تجربیات مادی و معنوی انسان های قدیم

۲- آگاهی از عوامل شکست و پیروزی و رشد تمدن ها و مرگ آن ها

۳- شناخت اسوه ها و الگوها

۴- ...

برخی از فواید مطالعه تاریخ اسلام:

۱- شناخت حقایق اسلام

۲- شناخت آیات قرآن و مراحل مختلف نزول آن

۳- شناخت مراحل حرکت پیامبر(ص) برای اجرای اسلام و برقراری حکومت اسلامی

۴- شناخت ریشه های عقیدتی اسلام در سیره و سنت و غیره

۵- شناخت خصوصیات فردی و اخلاقی رسول خدا(ص)

فصل دوم:

عوامل انحراف در نگارش تاریخ اسلام

علل وانگیزه های تحریف در تاریخ اسلام

۱- شیوه نگارش:

نقل صرف، بدون بررسی و تحلیل درستی یا نادرستی مطلب

۲- اختلاف امت و گرایش فرقه ای

۳- انگیزه ها و گرایش های غیر واقعی:

برای تثبیت حکومت یا حزب و گروه مورد نظر مورخ، مطالب و حقایق را وارونه می نمایانند.

۴- تقرب به خلفا و حکام

۵- جلوگیری حکام از نگارش حقایق:

حکام و خلفا به ویژه امویان و عباسیان، معاویه گروهی از صحابه و تابعین را به جعل اخبار زشت درباره علی(ع) و طعن و برانگیختن او وادار می کرد.

۶- تاثیر پذیری مسلمانان از علمای اهل کتاب: مثل ابوهریره و کعب الاحبار

۷- تعصبات قومی و مذهبی:

نسائی صاحب کتاب معروف «سنن نسائی» در سال ۳۰۲ در دمشق به علت اظهار نظر منطقی و درست درباره معاویه بر اثر ضربات در زیر پای مردم کشته شد.

۸- دشمنی و انتقام از اسلام:

علمای یهود و نصاری، مجوس و سایر فرقه ها به علت کینه توزی، قصص غیر واقعی را به اسلام نسبت می دادند.

۹- منع تدوین حدیث:

از زمان ابوبکر شروع شد، و تا زمان عمر بن عبدالعزیز (۱۰۱ - ۹۹) ادامه داشت.

فصل سوم:

جغرافیا و فرهنگ جزیره العرب در آستانه ظهور

شبه جزیره عربستان یا جزیره العرب بزرگترین شبه جزیره دنیاست که در جنوب غربی آسیا قرار دارد.

از جنوب به خلیج عدن و تنگه باب المندب و اقیانوس هند و دریای عرب؛ از مغرب به بحر الاحمر (دریای سرخ)، از مشرق به دریای عمان و خلیج فارس و از شمال به دریای مدیترانه و فلسطین و بحر المیت و سوریه و عراق فعلی محدود می شود.

دارای آب و هوای گرم و خشک است.

شبه جزیره عربستان از نظر جغرافیایی به سه بخش عمده اصلی تقسیم می شود:

۱- بخش مرکزی:

وسیع ترین قسمت عربستان به صحرای عرب معروف است.

کم آب و پوشیده از شن، باران به ندرت و در زمستان می بارد و سبب رویش گیاهان می شود فقط در چند نقطه مانند احقاف، صهیدا و دهنای اندکی درخت خرما به چشم می خورد.

۲- بخش شمالی (حجاز):

این بخش با سلسله جبالی از خلیج عقبه تا یمن، سرزمین های نجد را از تهامه و سرزمین های بلند را از پست و ساحلی جدا می کند.

دو شهر مشهور و قدیمی و اسلامی حجاز: «مکه» و «یثرب»

۳- بخش جنوبی (یمن):

دارای آب و هوایی متفاوت با صحرای عرب و زمینی حاصلخیز، به همین جهت جغرافی دانان یونانی و غربی آن را «عربستان خوشبخت» می خواندند.

در تقسیم دیگری شبه جزیره عربستان را اعراب به پنج بخش تقسیم می کنند:

الف) حجاز و یمن

ب) تهامه:

سرزمین پست و ساحلی که در امتداد دریای سرخ از جده تا مدین در شمال کشیده شده و آن را «تهامه حجاز» می گویند.

قسمت دیگر موازی سرزمین یمن است که آن را «تهامه یمن» می نامند.

ج) نجد:

برجستگی های مرکز عربستان را که در گذشته به دو بخش تقسیم می شد: ناحیه شمالی، ناحیه «جبل الشَّمر» که مرکزش حائل بود.

ناحیه جنوب و جنوب شرقی که آن را «درعیه» گویند و اکنون ریاض پایتخت فعلی عربستان است.

د) عروض:

دنباله نجد است و در شرق عربستان و سواحل خلیج فارس امتداد یافته و بیابان وریگزار است و امارات متحده، عمان، ابوظبی، قطر و ... را

در بر می گیرد.

فرهنگ عمومی جزیره العرب در آستانه ظهور اسلام

الف) اخلاق و آداب

فحشا و فساد اخلاقی، میخواری و روابط نامشروع در میان اعراب جاهلی رواج داشت.

شجاعت، غیرت و مروت را می ستودند.

شجاعت در نظر آنان سفاکی، فزونی تعداد مقتولان و جنگ و غارت بود.

از مراتب عالی غیرتمندی زنده به گور کردن دختران بود.

ب) مقام و حقوق زن در خانواده

زنان در دوران جاهلیت مقام و منزلتی نداشتند. پس از مرگ شوهر او نیز جزء ماترک و میراث مرد به ارث برده می شد.

دختر دادن به قبایل دیگر ممنوع بود فقط قریش حق داشت از قبایل دیگر دختر بگیرد.

داستان زنده به گور کردن کودکان و دختران (قبیله بنی تمیم پیشگام بود)

«وَ إِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنْثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ» ۶۰ نحل

ماه های حرام

حیات اجتماعی و اقتصادی عرب جاهلی در گرو تجارت تابستانی به شام و زمستانی به یمن بود برای آرامش و تجارت بهتر، در چهار ماه از سال جنگ و خون ریزی و غارت را ممنوع کرده بودند.

ذیقعه، ذیحجه، محرم و رجب

جنگ هایی که در این ماه ها رخ می داد به «جنگ فجّار» می نامیدند.

علاوه بر تجارت و زیارت، بازار هنر و ادب نیز در این ماه ها گرم بود.

احترام به کعبه

از دو جهت کعبه مورد احترام مردم بود:

۱- احترام معنوی آن را برای حنفاء و موحدانکه پیروان حضرت ابراهیم (ص) بودند و کعبه را پایگاه توحید و یادگار ابراهیم می دانستند.

۲- تمامی قبایل و اکثریت ساکنان حجاز آن جا را مرکز بت ها قرار داده بودند.

۳- کعبه مهمترین مرکز تجاری محسوب می شد؛ زیرا مردم برای زیارت بت ها از سراسر عربستان به آن جا می آمدند، و چون حرم امن بود و جنگ در آن جا حرام بود مرکز داد و ستد کالا محسوب می شد.

منصب پرده داری کعبه مقامی بود که در قرن پنجم میلادی توسط قصی بن کلاب، جد چهارم پیامبر، مرسوم شد و بنی هاشم تا ظهور اسلام این مقام را عهده دار بودند. مناصب وابسته به امور کعبه: سقایت حاجیان، مهمان داری، دادرسی و ... بود.

حفر چاه زمزم

چاه زمزم یادگار حضرت اسماعیل(ع) که یک چشمه جوشان معجزه بود و از مدت ها قبل مسدود بود، عبدالمطلب آن را حفر کرد.

در ضمن حفاری یک شمشیر و دو گوساله طلا کشف کرد و آن ها را وقف کعبه کرد. (طبقات ابن سعد ج ۱ ص ۷۸)

این موضوع سبب شد عبدالمطلب از موقعیت والایی برخوردار شود.

فصل چهارم:

حکومت و دین جزیره العرب در آستانه ظهور اسلام

۱. حکومت در جزیره العرب در آستانه ظهور

(الف) مَعین:

(۶۰۰-۱۲۰۰ ق م) از خلیج فارس تا کناره دریای مدیترانه را در اختیار داشته اند. پایتخت مَعین «قرنه» یا «قرنا» بود.

(ب) قَتَبان:

(۶۰۰ ق م تا قرن دوم میلادی)، پادشاهان این دوره هارا «مَكْرَب» می نامیده اند شاید به خاطر جنبه دینی و معنوی که برای آن ها قاتل بوده اند.

پایتخت قَتَبان «تمنع» بود و در جنوب شرقی سد مَآرب در محلی که امروزه کهلان نامیده می شود، واقع بود.

(ج) سَبانیان:

قوم سباء در جنوب غربی شبه جزیره ، یمن زندگی می کردند.

داستان حکومت آن ها و سد مَآرب و ملکه سباء در قرآن (سوره سباء و نمل) در شرح حال حضرت سلیمان (ع) آمده است.

(د) حَضْرَمُوت:

معاصر معینی ها به قولی تابع آن ها بوده و در سال ۳۰۰ م توسط یکی از حمیری ها به نام «شَمْرِیَحْرِش» منقرض شد و جزء امپراطوری حمیری گشت.

پایتخت حَضْرَمُوت «سَبَوه» مرکز اصلی مرکز بخور بوده است.

(ه) نَبَطیان:

سامی بودند و در چهار قرن پیش از میلاد دولتی تشکیل دادند و مرکز آن پتراء یا پطراء بود. خرابه های پتراء در کشور اردن باقی است. پتراء مرکز مهم تجاری بود.

(و) حمیریان:

در ادامه حکومت سباء، بر منطقه ی حَضْرَمُوت و یمن مسلط شدند. تا قرن ششم میلادی ادامه داشت و سرانجام به وسیله ی حبشیان منقرض شد.

(ز) تَدَمِر:

ویرانه های این دولت در ۲۲۵ کیلومتری شمال شرقی دمشق باقی است از مراکز مهم بازرگانی آن دوران بود. تدمر در نزدیکی حلب واقع بود و معروف است که این شهر را حضرت سلیمان ساخته است.

(ح) غَساتیان:

از اقوام مهاجر جنوبی بودند که پس از شکسته شدن سد مَآرب به شمال آمدند. تحت حمایت روم بودند و همواره به نفع روم و با قوم لخمیان که طرفدار ایران ساسانی بودند، می جنگیدند. این دوره تا آغاز فتوحات اسلامی در شمال و پس از جنگ یرموک و تسخیر سوریه، ادامه داشت.

(ط) لُخْمیان:

در اواخر قرن سوم میلادی بر حیره نزدیک نجف فعلی و اطراف آن حکومت می کردند. و تابع ایران و متحد ساسانیان در جنگ علیه روم بودند، احتمال دارد از اقوام مهاجر جنوبی (قحطانی) باشند.

۲. دین جزیره العرب در آستانه ظهور اسلام

(الف) دین توحیدی:

آیین حنیف (دین حضرت ابراهیم)، حنفاء (راهبان مسیحی و یهودی)

مورخین شیعی معتقدند که اجداد پیامبر بر این آیین بوده اند. به گفته برخی مورخین اعراب پیش از بت پرستی بر دین حنیف بودند.

(ب) بت پرستی:

دین شایع و عمومی عربستان

«عمر بن لحي (قصی)» با آوردن بت از منطقه روم شرقی و عراق موجب گسترش بت پرستی میان اعراب جزیره العرب شد.

دو قسم الهه:

خانگی: هر خانه در مکه بتی داشت. هنگام سفر آن را مسح می کردند.

قبیله ای: بت هایی که یک یا چند قبیله می پرستیدند.

انصاب: سنگ پرستی، افراط علاقه به کعبه، هنگام مسافرت سنگی از مکه با خود می بردند و در مسکن خود نصب می کردند. سنگ صاف بدون شکل

اوئان: بت های شکل دار از سنگ

اصنام: بت های شکل دار از چوب، زر و سیم

قرآن: اعراب جاهلی به زندگی اخروی وحشر و نشر اعتقادی نداشتند.

اعراب شمالی: لات (قبیله بنی ثقیف طائف) - منات (اوس و خزرج مدینه) - عزی (قریش مکه) که در سوره نجم ۱۹ و ۲۰ آمده است.

قرآن نام پنج بت فرزندان نوح: ود- شواع (سواع) - یغوث - یعوق - نسر (نوح ۲۲ و ۲۳)

(ج) یهود:

بیشتر در یمن و یثرب سکونت داشتند و به احتمال زیاد در سده اول میلادی یهودیان فلسطین به مدینه و اطراف مدینه آمدن چون کشاورزی بلد بودند.

حضور یودیت در یثرب به این دلیل بود که طبق بشارت های تورات و انجیل می دانستند که پیامبر آخرالزمان در آن جا ظهور می کند.

(د) مسیحیت:

در سده چهارم میلادی امپراطوری روم، مسیحی شد و حامی مسیحیت که یک دین تبلیغی است، گردید. (آیین یهود رنگ نژادی دارد و تبلیغات نمی کنند)

با مسیحی شدن امپراطوری روم سازمان های تبلیغی را حمایت کرده و آیین مسیحیت در مصر و شام و آفریقا رواج یافت و حبشه که در غرب عربستان بود کشوری مسیحی است.

غسانی ها در شمال غربی عربستان متحد روم شرقی بودند و مسیحیت را تبلیغ می کردند، مسیحی شدن حبشه و نجران، حمله ابرهه و ساختن کلیسا در یمن برای از رونق انداختن کعبه.

در شمال عربستان (حیره) مسیحیت رواج داشت. قبیله بنی تغلب - مادر سجاح (پیامبر دروغین) مسیحی بود.

فصل پنجم:

تاریخ جهان در آستانه ظهور اسلام

۱. ایران ساسانی

نوع حکومت ایران، شاهنشاهی، سلطنتی و استبدادی بود.

خسرو پرویز از سال ۵۹۱ میلادی حکومت را در دست داشت.

ایران دوره ساسانی در هرج و مرج می سوخت شیرویه برای رسیدن به سلطنت نه تنها پدرش خسرو پرویز بلکه چهل تن از برادرانش را به قتل رساند.

بی ثباتی و هرج و مرج چنان بود که در مدت چهار سال پس از خسرو پرویز تا یزگرد سوم، آخرین پادشاه ساسانی، بین ۱۴ تا ۱۶ نفر با کودتاهای مختلف به سلطنت رسیدند.

مردم در دوره ساسانی به پنج طبقه مهم تقسیم می شدند:

۱- بزرگان ۲- مغان یا رهبران مذهبی ۳- برزگران ۴- بازرگانان

۵- پیشه وران

دین رسمی ایران زرتشتی بود؛ مسیحیت و یهود و مانوی و مزدکی هم اندک پیروانی داشت.

۲. امپراطوری روم شرقی

امپراطوری روم مرکز مبارزات و تهاجم های اقوام مختلف بود.

قسطنطنیه (استانبول) از عظیم ترین و مجلل ترین شهرهای جهان، مرکز امپراطوری روم شرقی بود.

کشور های غربی اروپا تا اسپانیا، یونان، ترکیه فعلی، شام، فلسطین، مصر و قسمت هایی از آفریقا تحت سلطه این امپراطوری بود.

دین رسمی رومی ها نخست بت پرستی بود اما از قرن چهارم مسیحیت در اروپا رسمی شد.

قرن پنجم تا پانزدهم اوج قدرت و استبداد کلیسا را قرون وسطی می نامند.

فصل اول:

تاریخ و سیره رسول تا بعثت

سلسله انساب عرب

الف) عرب باند:

نابود و مستهلک شده اند مثل عاد، ثمود، مدین، عمالقه و جرهم اولی و...

ب) عرب عاریه یا عرب اصیل:

بیشتر به اعراب قحطانی معروفند (فرزندان یعرب بن قحطان)، اعراب جنوبی، یمنی و کلبی

ج) عرب مستعربه (عرب شده):

از نسل حضرت اسماعیل که بیشتر به اعراب عدنانی معروفند. شمالی، مضری و قیسی

ولادت رسول خدا

۱. دوازدهم ربیع الاول سال عام الفیل:

اکثریت علمای اهل سنت، مرحوم کلینی (صاحب اصول کافی) از علمای شیعه

۲. هفدهم ربیع الاول سال عام الفیل:

اکثریت علمای شیعه، روایت انمه نیز موید این مطلب است.

ارهاصات: حوادث مهم و شگفت انگیزی که خبر از آمدن پیامبر و به مردم هشدار داده تا آماده آمدن آن حضرت شوند.

الف) ایوان مداین شکافت و چهارده کنگره آن ریخت.

ب) ابلیس با تولد حضرت عیسی از بالا رفتن در سه آسمان ممنوع شد و با تولد پیامبر از همه آسمان ها ممنوع شد.

ج) آتشکده فارس که هزار سال بود خاموش نشده بود در آن شب خاموش شد. د) دانش کاهنان ریوده شد و سحر جادوگران باطل شد.

ابرهه بن اشرم، پادشاه یمن، با سپاهی از فیل به قصد ویران کردن کعبه به مکه حمله کرد.

نابودی سپاه ابرهه را برخی در عرفات و برخی در وادی محسر بین منا و مزدلفه (مشعرالحرام) می دانند.

اجداد پیامبر (ص):

اجداد پیامبر تا بیست و یکمین جد آن حضرت عبارتند از:

عبدالمطلب، هاشم، عبدمناف، قصی بن کلاب، مُرّه، کعب، لُوی، غالب، فُهر، مالک، نَضَر، کِنانه، خُزَیمه، مُدرِکه، الیاس، مُضَر، نَزَار، مُعد، عدنان و....

و عدنان به حضرت اسماعیل می رسد. رسول خدا می فرمود: چون نسب من به عدنان رسید خودداری کنید.

کارهای مهم پیامبر پیش از بعثت

الف) شرکت پیامبر در حلف الفضول

ب) سفر به شام

ج) نصب حجر الاسود

فصل دوم:

آغاز بعثت و مبارزات اعتقادی

وحی:

نوعی رابطه و دریافت حقایق از جهان غیب

انواع وحی در قرآن:

۱. وحی تکوینی، وحی به آسمان ها (وَ أَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ - فصلت ۱۲)

۲. وحی به فرشتگان برای تدبیر امور (إِذْ يُوحَىٰ رَبِّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ - انفال ۱۲)

۳. وحی و الهام غریزی مثل وحی به زنبور (وَ أَوْحَىٰ رَبِّكَ إِلَى النَّحْلِ - نحل ۶۸)

۴. وحی به افراد معمولی (وَ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ - قصص ۷)

۵. ارتباط پنهانی موجودات نامرئی (إِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ أَوْلِيَائِهِمْ)

۶. وحی به انبیاء: (شوری ۵۱)

الف) رویای صادقانه

ب) سخن گفتن بی واسطه خدا

ج) سخن گفتن از پشت مانع

د) توسط فرشتگان وحی

وحی:

اولین وحی و آغاز بعثت: وحی چون ملموس نبوده، مشکل بوده است.

سن ۴۰ یا ۴۳ سالگی پیامبر

شیعه: ۲۷ رجب - اهل سنت: ۱۷ و ۱۸ و ۲۴ و ۲۷ رمضان

يعقوبی: ۱۴ ربیع الاول

اولین آیات: ۵ آیه اول سوره علق - سوره مدثر - سوره فاتحه الكتاب

* احادیث از عایشه پیرامون آغاز بعثت (نقد در کتاب تاریخ اسلام علی دوانی)

* انقطاع وحی: مدت مورد اختلاف است: سه روز تا دو سال و نیم و حتی سه سال (اهل سنت)، ابن عباس: ۵ روز

اولین سوره بعد از پایان انقطاع: «مدثر» یا «الضحی» آمده است.

* نخستین عمل واجب: روز دوم جبرئیل نازل شد و نماز و وضو آموزش داده شد (نمازها دو رکعتی)

اولین مومن:

شیعه: امام علی (ع) و حضرت خدیجه (س) جعفر بن ابیطالب و زید بن حارثه

طبری: ابوبکر را اولین مومن می داند ابن اسحاق ابوبکر را چهارمین می داند.

ابن اثیر: ابوبکر در سال ۵ بعثت و حمزه در سال دوم بعثت عمر در سال ششم

موضع گیری قریش:

*دعوت مخفی در سه سال اول بعثت

*دعوت علنی:

دعوت خویشان و انتخاب امام علی به وصایت و جانشینی

((وَأَنذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ(شعراء۲۱۴))

دعوت عمومی و همگانی (سوره مدثر یا آیه ۹۵ حجر) در کنار کعبه و کنار کوه صفا

*فشار و شکنجه پیامبر و مسلمانان

(بلال، یاسر، سمیه پدر و مادر عمار و عمار (تقیه ۱۰۶ انحل))

*هجرت به حبشه

هجرت اول: در سال پنجم به رهبری عثمان بن مظعون، رقیه دختر پیامبر هم در میان مهاجرین بوده، ۱۱ مرد و چهار زن بعد از دو ماه برگشتند شنیدن قریش مسلمان شده اند.

هجرت دوم: بین سال پنجم تا هفتم، به رهبری جعفر بن ابیطالب، ۸۳ مرد و ۱۸ زن که اختلاف است.

عروبن عاص از طرف قریش با هدایای نفیسی نزد پادشاه حبشه رفتند که موفق نشدند برگردانند.

* مبارزه علیه قرآن

تاثیر خارق العاده قرآن بر نفوس مردم، قریش رابه مبارزه علیه قرآن برانگیخت.

مرحله اول: مقابله به مثل، نصر بن حارث از افسانه سرایان معروف مامور شد اما نتوانست.(سَأَنْزِلُ مِثْلَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ- انعام ۹۳)

مرحله دوم: تهمت سحر و جادو

مرحله سوم: تحریم استماع قرآن

مرحله چهارم: استمداد از یهودیان

عالمان یهود گفتند سه سوال پرسید اگر پاسخ درستی دادند بدانید پیامبر است:

۱. جوانان مومنی که در گذشته پنهان شدند چه کسانی هستند؟ (۱۳ تا ۲۶ کهف)

۲. روح چیست؟ (۸۵ اسراء)

۳. مرد جهانگشایی که شرق و غرب را فتح کرد؟ (۸۳ کهف)

* پیشنهاد مصالحه

ولید بن مغیره و امیه و عاص بن وائل در کنار کعبه نزد پیامبر آمدند و پیشنهاد دادند یک سال ما خدای شما را می پرستیم و یک سال شما خدای ما را پرستید.

(دستور وحی سوره کافرون: «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُمْ.....»)

* محاصره اقتصادی در شعب ابیطالب:

برای اتمام حجت با ابوطالب وبنی هاشم راه تطمیع و تهدید رادرپیش گرفتند: تطمیع به مال و ثروت و مقام و... که مورد پذیرش پیامبر نیست. امضای پیمانی - به صحیفه ملعونه معروف شد- که در صورت نپذیرفتن پیشنهادها تمام قبایل تا سرحد مرگ در برابر محمد(ص) وبنی هاشم بایستند. مواد این پیمان:

۱. تحریم همه گونه خرید و فروش با بنی هاشم

۲. قطع ارتباط و معاشرت با آنها

۳. عدم تزویج و ارتباط زناشویی با آنها

۴. لزوم طرفداری در تمام موارد از دشمنان پیامبر

به پیشنهاد ابوطالب تمام بنی هاشم به جز ابولهب به شعب ابیطالب رفتند.

در سال ۶ بعثت بوده ۳ یا ۴ سال طول کشیده است.

فشار و سختی بسیار زیاد بر پیامبر و مسلمانان و بنی هاشم

مرگ خدیجه و ابیطالب در سال دهم بعثت (عام الحزن)

سفر به طائف:

طائف بزرگترین شهر بعد از مکه بود، پیامبر برای دعوت به آن جا رفت اما دستاورد این سفر تنها ایمان آوردن یک نفر بود.

آزار واذیت پیامبر در این سفر سبب ابلاغ رسالت و اتمام حجت بود

دعوت قبایل در ایام حج:

از جمله اسلام آوردن قبیله بنی عامر بن صعصعه

الف) بیعت النساء (پیمان عقبه اول):

در سال ۱۲ بعثت و در ایام حج با یک گروه ۱۲ نفری از مردم مدینه در محلی به نام عقبه در گردنه منی پیمان بسته شد که چون التزام جهاد نداشته به بیعت النساء معروف است.

ب) بیعت الحرب (عقبه دوم):

در سال ۱۳ بعثت، و در ایام حج در محل عقبه (گردنه ای نزدیک منی) ۷۳ زن و مرد از قبایل مختلف مدینه به رهبری مصعب بن عمیر با پیامبر ملاقات پنهانی داشته اند و به اسلام ایمان آورده و با پیامبر پیمان همکاری و جهاد می بندند.

توطئه قریش در دارالندوه:

در اول ربیع الاول سال ۱۳ بعثت، سران قریش در دارالندوه گرد آمدند و نقشه قتل پیامبر توسط ابوجهل داده شد که مورد پذیرش سران واقع گردید، تصمیم گرفته شد از هر قبیله یک نفر در این ماجرا شرکت داشته باشد که بنی هاشم نتوانند به خونخواهی او برخیزند و به خونبها راضی شوند.

پیامبر از طریق وحی از این نقش با خبر شد و قبل از اجرای نقشه پیلمبر از مکه به سمت مدینه هجرت فرمود. (انفال آیه ۳۰)

لیلہ المبیت: امام علی (ع) در بستر پیامبر خوابید و پیامبر شبانه از مکه خارج گردید. (بقره ۲۰۷ در شان امام علی: وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَ اللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ)

*پیامبر با ابوبکر پس از سه روز توقف در غار ثور (که دختر ابوبکر برای آنها غذا وپسرش اخبار می آوردند)، به سمت مدینه حرکت فرمود و در ۱۲ ربیع الاول وارد دهکده قبا (در دو فرسخی جنوب مدینه) شد.

• ساخت اولین مسجد در تاریخ اسلام در قبا (آیه ۱۰۷ و ۱۰۸ توبه)

کارهای مهم پیامبر در قبا:

(۱) تاسیس مسجد قبا (اولین مسجد تاریخ اسلام)

(۲) شکستن بت های قبا و تخریب بتخانه ی کوچک آن جا

(۳) انتظار رسیدن علی با خانواده پیامبر (ص) (قافله فواطم) - امام علی (ع) سه شب در مکه ماند امانات پیامبر را به مردم داد سپس به سوی یثرب رفت.

بیشتر مهاجرین قبل از هجرت پیامبر به مدینه رفته بودند در آخر پیامبر، امام علی (ع) و ابوبکر رفتند.

پس از عقبه دوم مردها در دسته های دو سه نفری به صورت مخفیانه به مدینه رفته بودند (حدود ۴۵ نفر) بعد خانواده ها به آن ها ملحق شدند.

بخش سوم:

حوادث دوران هجرت

عوامل گسترش اسلام در مدینه:

(۱) آمادگی فکری مردم یثرب به خاطر شنیدن از یهود که پیامبری عرب خواهد آمد.

(۲) جنگ های چندین ساله بین دو قبیله اوس و خزرج، آن ها را خسته کرده بود و خوتهان تغییر وضع بودند.

(۳) گسترش اسلام در نظر طبقه متفکر جامعه آن روز وسیله و راه خوبی بود برای مبارزه با بی نظمی و ناامنی، که جامعه آنان در آن زمان از آن به شدت رنج می بردند.

پیامبر در روز جمعه از قبا حرکت کرد و ظهر به محله ای به نام «بنی سالم بن عوف» رسید و در آن جا اولین نماز جمعه را برقرار ساخت. اکنون نیز در آن جا مسجد کوچکی به نام «مسجد جمعه» باقی مانده است. از آن تاریخ به بعد نماز جمعه رسمیت پیدا کرد.

پیامبر ابتدا به خانه ابویوب انصاری رفت و زمین مجاور خانه ابویوب انصاری را خرید و بنای مسجدالنبی را پایه ریزی کرد. و در اطراف آن حجره هایی برای خودش و خانواده اش ساخت.

اقدامات پیامبر در سال اول هجرت:

(۱) بنای مسجد (مسجد النبی) که اهمیت زیادی داشت و از مسیحیت و یهود نگرفتند، محل اجتماع مسلمانان بود تا ماه صفر سال بعد بنای مسجد طول کشید.

تا پایان خلفای راشدین حکم وزارتخانه برای تمام مسائل سیاسی را داشت.

(۲) پیمان اخوت و برادری میان دوگروه انصارویا یک انصار و یک مهاجر، وحدت سیاسی و معنوی میان مسلمانان (اتحاد بین اعراب شمالی و جنوبی)

(۳) پیمان مدینه، نخستین سند سیاسی اسلام که پیامبر میان مردم مدینه، انصار و یهودیان و بت پرستان و مسیحیان برقرار کرد. هسته اولیه کشور اسلام در شهر مدینه خلاصه می شد. حضرت رسول در راس قرار می گیرد. مسلمانان و غیر مسلمانان پیامبر را به عنوان رئیس حکومت قبول کردند حقوق اهل کتاب را در این پیمان رعایت کردند تا وقتی که توطئه نکنند. قرار شد معیار قضاوت «حق» باشد نه قوم و فامیل

* ازدواج امام علی (ع) و فاطمه زهرا (س)

* نمازهای یومیه پنجگانه و چهار رکعتی شدن نمازها (بنا به نقلی در شب معراج واجب نموده است)

* موضوع معراج و شق القمر به احتمال قوی در مکه بوده است.

رویدادهای سال دوم هجرت:

*مقرر شدن اذان

*وجوب زکات فطره و دستور قربانی در عید اضحی و برگزاری عید قربان، نزول آیات جهاد و جنگ

*مقرر شدن روزه ماه رمضان واحکام قصر و اتمام نماز و روزه در مسافرت

*تغییر قبله: در نیمه ماه رجب یا شعبان به پیامبر در هنگام نماز ظهر در محله «بنی سلمه بن عوف» وحی شد(بقره ۱۴۴) که به جای توجه به بیت المقدس، به کعبه توجه نماید. این مسجد به «ذوقبلتین» معروف است.

تا در مکه بودند نماز را به سمت مسجدالحرام می خواندند (شاید مخیر بودند) فقط از هجرت تا تغییر قبله به سمت مسجد الاقصی خواندند

(۱۶ یا ۱۸ ماه)

۱. غزوه وڈان ۲. غزوه بواط ۳. غزوه بدر الاولى(درگیری نداشته)

۴) غزوه ذوالعشیره در ناحیه یُنْبَع (۵) سریه عبدالله بن جحش

۶) غزوه بدر القتال(جنگ بدر اصلی):

کاروان قریش با سرمایه ای بیش از ۵۰،۰۰۰ دینار طلا از شام عازم مکه بود به سرپرستی ابوسفیان با بیش از ۳۰ محافظ مسلح، وقتی کاروان از بیراهه توسط ابوسفیان نجات یافت قریش با همه توان- از همه قبایل استفاده کردند- آمدند و گفتند درسی به پیامبر بدهیم که فراموش نکند پیامبر با ۳۱۳ نفر در کنار چاه های بدر در ۹ ماه رمضان به آنها رسیدند. جنگ با حمله قریش آغاز شد ولی شکست خوردند. پیروزی مسلمانان با نیروی ایمان به خدا با وجود کمبود امکانات و سپاه(آل عمران ۱۲۳)

آیات سوره انفال(تقسیم مساوی غنائم)- کشته شدن ابوجهل وخیلی از بزرگان قریش کفار اموال زیادی را برای آزادی اسیران خود به مدینه دادند. ابولهب متأثر شد چند روز بعد از جنگ درگذشت.

*غزوه بنی قینقاع:

نخستین درگیری با یهودیان، چند هفته بعد از بدر و پیروزی مسلمانان پیمان خود با پیامبر را شکستند(اذیت و آزار زن مسلمان در بازار یهودیان و کشته شدن دو مرد از یهودیان و مسلمانان)

۱۵ روز محاصره، سپس تسلیم شدند و حداقل مجازات برای آنان یعنی تبعید به ازراعات شام اجرا شد. اموال آنان غنیمت فرض شد و خمس آن برداشته شد بقیه بین جنگجویان تقسیم شد.

رویدادهای سال سوم هجرت:

۱. سریه محمد بن مسلمه(کعب اشرف که مفسد فی الارض بود)

۲. غزوه احد:

قریش برای جبران شکست بدر به جنگ با مسلمین آمدند. مسلمانان ۷۰۰ تن در مقابل ۳۰۰۰ تن بودند.

ابتدا جنگ با پیروزی مسلمانان همراه بود اما بیشتر افراد عبدالله بن جبیر برای جمع آوری غنائم و برخلاف دستور پیامبر جبل عنین را رها کردند و وارد میدان جنگ شدند و خالد بن ولید از همان دره حمله کرد و در نهایت به شکست مسلمانان انجامید.

فداکاری امام علی(ع)، حمزه عموی پیامبر و مصعب بن عمیر برای نجات جان پیامبر قابل توجه بوده است.

قریش به همراه خود بت هبل رابه جنگ آورده بودند ۱۵ کجاوه از زنان را بر ای خواندن تصنیف و اشعار عاشقانه با خود آورده بودند.

* تولد امام حسین در سال سوم به گفته مرحوم کلینی اما اکثر مورخان سال سوم را تولد امام حسن(ع) و سوم شعبان سال چهارم را سال تولد امام حسین(ع) می دانند.

رویدادهای سال چهارم هجرت:

۱. سریه رجیع ۲. سریه بنر معونه (در هر دو یک گروه تبلیغی و معلمان قرآن را به شهادت رساندند)

۳. غزوه بنی نضیر:

وقتی دو نفر از قبیله بنی عامر توسط عمرو بن امیه کشته شدند پیامبر از یهودیان بنی نضیر که هم پیمانان بنی عامر بودند خواست که در خون بهای آن دو نفر کمک کنند یهودیان در ظاهر پذیرفتند اما نقشه قتل پیامبر را کشیدند و خواستند با غلطادن سنگ بزرگی از بالای آسیاب پیامبر را از پای در آورند. پس از شش روز محاصره تسلیم شدند و به از رعات شام تبعید شدند به جز دو نفر که مسلمان شدند و در مدینه ماندند و اموال خود را صاحب شدند.

قرار بر این شد که اموال خود را بگذارند و هر سه نفر یک شتر و مقداری ضروریات بردارند. اموال بنی نضیر غنیمت نبود بلکه فیء بود و بین جنگجویان تقسیم نشد پیامبر اموال را بین مهاجرین و دو نفر از انصار که فقیر بودند تقسیم کرد.

۴. غزوه ذات الرقاع با قبیله غطفان که علیه پیامبر توطئه کرده بودند.

۵. غزوه بدر الموعده: ابوسفیان به همراه ۲۰۰۰ نفر از مکه و پیامبر با ۲۵۰۰ نفر از مدینه حرکت کردند. پرچمدار سپاه امام علی (ع) بود و ابوسفیان در عسفان متوقف شد و بدون جنگ به مکه بازگشت.

رویدادهای سال پنجم هجرت:

۱. غزوه دومه الجندل

۲. غزوه خندق (احزاب):

قبایل قریش، بنی سلیم، غطفان، بنی اسد، بنی نضیر، بنی قریظه و احابیش که در قرآن به احزاب معروفند، رهسپار مدینه شدند و پیامبر به شیوه قلعه داری و حفر خندق از مدینه دفاع کرد و با کاردانی مسلمانی به نام «نُعیم بن مسعود» بین غطفان و قریش و بنی قریظه اختلاف افتاد و با قتل عمرو بن عبدود توسط امام علی (ع) شبانه احزاب به دیار خود بازگشتند.

در این جنگ شش نفر از مسلمانان شهید و سه نفر از احزاب کشته شدند.

۳. غزوه بنی قریظه:

این یهودیان طبق پیمان مدینه مادامی که علیه مسلمانان قیام نمی کردند در امان بودند اما در جنگ احزاب (خندق) با دشمنان اسلام متحد شدند پیامبر پس از جنگ خندق به سراغ آنان رفت پس از ۲۵ روز تسلیم شدند پیامبر داوری اسیران را به سعد بن معاذ رئیس اوس وا گذاشت که قرار شد بزرگان و سران (یا همه مردان) گردن زده شوند و بقیه را به اسارت گرفتند.

۴. مبارزه با برخی سنت های غلط

رویدادهای سال ششم هجرت:

۱. غزوه بنی لحيان (به خونخواهی شهدای بنر معونه و رجیع) ۲. غزوه ذی قرد ۳. غزوه بنی المصطلق ۴. درگیری بین مهاجرین و انصار و تفرقه افکندن عبدالله بن ابی منافق و هوشیاری پیامبر و دفع فتنه توسط پیامبر

۲. صلح حدیبیه:

این صلح بعدها به تعبیر قرآن «فتح مبین» لقب گرفت و پیامد آن پیروزی های متعدد برای اسلام بود.

در سال ششم پیامبر با گروهی ۱۴۰۰ تا ۱۶۰۰ نفر به قصد عمره راهی مکه شدند در راه در مکانی به نام حدیبیه نزدیک مکه خالد بن ولید راه را بر آنان بست.

از جانب پیامبر نماینده ای -عثمان- به مکه اعزام شد که از بازگشت او جلوگیری به عمل آمد و شایع شد او کشته شده است. پیامبر و یارانش با این که مسلح نبودند آماده جنگ شدند و هم پیمان شدند تا آخرین نفس بایستند و فرار نکنند (بیعت رضوان)

* صلح حدیبیه:

سرانجام میان پیامبر و قریش صلح نامه ای نوشته شد که طبق آن:

۱- تا ۱۰ سال با هم جنگ نکنند.

۲- مسلمانان سال بعد می توانند به زیارت خانه خدا بیایند اما سه روز بیشتر نمانند.

۳- اگر از مردم مکه به مدینه گریخت در صورت خواست قریش، پیامبر او را باز گرداند اما اگر مسلمانی به مکه پناهنده شد لازم نیست او را تحویل دهند.

۴- مسلمانان و قریش با هر قبیله ای که خواستند می توانند پیمان ببندند و هیچکدام همپیمانان خود را کمک نکنند.

۵- مسلمانان مکه در انجام وظایف خود آزادند

۶- طرفین اموال یکدیگر را محترم می شمارند.

۷- مال و جان مسلمانی که از مدینه وارد مکه می شوند محترم است.

*فوائد صلح حدیبیه:

۱- نزول سوره فتح بعد از صلح- گفتار امام صادق(ع): هیچ موضوعی در زمان پیامبر سودمندتر از صلح حدیبیه نبود.

۲- فراغت از جبهه داخلی و دعوت سران ممالک خارج از عربستان به اسلام

۳- مسلمانان در مکه می توانستند آزادانه مراسم دینی انجام دهند که سبب گسترش اسلام در مکه و آسانی فتح مکه در سال ۸ هجری

۴- مسلمانان از جانب قریش نگرانی نداشتند و تبلیغ اسلام در بین اعراب و در جنوب مکه

تاریخ گسترش اسلام، آرنولد، الوثائق السیاسیه، محمد حمید الله، مکاتیب الرسول، علی احمدی، رسول اکرم در میدان جنگ - اولین قانون اساسی مکتوب در جهان، محمد حمید الله

رویدادهای سال هفتم هجرت:

۱. نامه پیامبر به اقصی نقاط جهان و دعوت به اسلام از جمله امپراتور ایران و روم و مصر (از نتایج صلح حدیبیه)

۲. فتح خیبر:

تبعید بنی قینقاع و تحریک سران آن ها، جنگ احد را راه انداخت و کوچ بنی نضیر و تحریکات آن ها، تشویق و کمک مالی یهود خیبر، سبب جنگ خندق شد و بقایای یهودیان بنی نضیر در دژهای مستحکم خیبر موضع گرفته بودند و آذوقه یکساله را ذخیره کرده بودند تا به طور کامل بتوانند با کمک قریش و غطفان مدینه را محاصره و سپاه اسلام را در هم بکوبند.

سرانجام پس از چند روز محاصره و درگیری در برخی از قلعه ها، قلعه های هفتگانه خیبر با رشادت های امام علی(ع) فتح شد.

تلفات این جنگ ۲۰ نفر مسلمان و ۹۳ یهودی بود.

در این موقع مهاجرین حبشه به رهبری جعفر بن ابیطالب به مدینه بازگشتند.

*فدک: یهودیان فدک پس از شنیدن خبر یهودیان خیبر خودشان پیشنهاد صلح دادند. قرار شد نیمی از زمینشان دست خودشان و نیمی را به حضرت رسول (ص) بدهند.

قطعه زمینی که از یهودیان بدون جنگ و خونریزی و با صلح به پیامبر واگذار شد و به همین علت خالصه ی پیامبر شد که علی (ع) به حوالی فدک از جانب پیامبر اعزام شد و مردم با مصالحه کردند. «جزء اموال فیء بود.»

«وَأَتِ الدُّرُبَى حَقَّهُ وَ الْمَسْكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ..» اسراء ۲۶

*پس از فتح خیبر پیامبر با شکوه عجیب و خیره کننده و حتی رعب آوری عمره القضاء را در مکه انجام داد.

رویدادهای سال هشتم هجرت:

۱. جنگ ذات السلاسل (وادی الرمل): نزول سوره و العاديات، پیروزی بر قبایل بنی سلیم و قضاعه

۲. جنگ موته: پیامبر سپاهی ۳۰۰۰ نفری را به سرزمین موته به فرماندهی جعفر بن ابیطالب، زید بن حارثه و عبدالله بن رواحه که هدف از این اعزام تبلیغ و تنبیهی برای مرزنشینان بود که قبلاً سیر و معلمان قرآن را به قتل رسانده بودند.

هرقل، امپراتوری روم سی هزار نفر، سپاه اعزامی پیامبر را شکست داد و در این جنگ هر سه فرمانده سپاه شهید شدند و خالد بن ولید شایسته سپاه را به عقب نشینی هدایت کرد.

۳. فتح مکه:

بر اساس صلح حدیبیه قریش و مسلمانان نباید با هم جنگ کنند و باید به نفع هم پیمانان خود، علیه همپیمانان طرف دیگر وارد جنگ نشوند.

قریش نقض پیمان کرد و به نفع هم پیمان خود (بنی بکر) علیه همپیمان مسلمان (بنی خزاعه)، وارد جنگ شدند و آنان را به قتل رساندند و زنان را به اسارت و اموالشان را به غارت بردند.

رئیس قبیله خزاعه به پیامبر شکایت برد و پیامبر به مکه حمله کرد. گفته اند ابوسفیان شبانه به مکه آمد و خواست که با وساطت دخترش ام حبیبیه (همسر رسول خدا) مانع حمله شود.

ابوسفیان و مکیان از عظمت سپاه اسلام وحشت کرده و تسلیم شدند پیامبر عفو عمومی اعلام کرد و جمله معروف «اذهبوا و انتم الطلقاء ...» و نه محله را به عنوان محل امن اعلام داشت از جمله خانه ابوسفیان را.

۴. غزوه حنین:

این جنگ بین مسلمانان و قبایل متحد (هوازن، ثقیف، نصر، سعد، و...) در محلی به نام حنین صورت گرفت.

رسول خدا به همراه ۱۲۰۰۰ نفر (۲۰۰۰ نفر مشرک تازه مسلمان شده مکه) شرکت نمودند؛ نخست مسلمانان شکست خوردند و اکثراً فرار کردند (توبه ۲۵ و ۲۶) اما پایداری رسول خدا و رشادت های تعدادی از بنی هاشم (امام علی (ع) عباس و زبیر و عبدالله بن زبیر....) سپاه فراری اسلام منظم شد و دشمن را مغلوب کرد.

نقش زنان در این جنگ (ام عماره، ام سلیم، ام سلیط، ام حارث) مهمتر از برخی مردان بوده است.

در این جنگ از مسلمانان ۹ شهید ولی تلفات دشمن ۷۹ نفر کشته و ۶۰۰۰ نفر اسیر شدند، که بعد آزاد و مسلمان شدند.

۵. غزوه طائف:

فراریان غزوه حنین در طائف جمع شده بودند و در تدارک حمله مجدد به مسلمانان بودند پیامبر پس از آگاهی، رهسپار طائف شد. در طائف را که قوم ثقیف در آن جا زندگی می کردند، محاصره کردند.

محاصره به طول انجامید پیامبر به مدینه بازگشت، سرانجام قبیله بنی ثقیف و طائف تسلیم شدند.

رویدادهای سال نهم هجرت:

۱. بت شکنی علی (ع):

پیامبر امام علی (ع) را با ۱۵۰ سوار به قبیله طیّ اعزام کرد، پس از مقاومت مختصری شکست خوردند و عَدی بن حاتم رئیس قبیله فرار کرده به شام گریخت. پیامبر دستور داده بود بت بزرگ قبیله «فلس» را در هم شکنند.

۲- غزوه تبوک:

وقتی سپاه روم درنوار مرزی و سرحدات همراه قبایلی از عرب، خود را برای حمله به مسلمانان آماده کرده بود، پیامبر با ۳۰،۰۰۰ نفر به تبوک رفت و علی (ع) را در مدینه جانشین خود ساخت و با این عمل توطئه کودتای منافقان را در مدینه خنثی نمود.

این غزوه بدون درگیری و با فرار سپاه دشمن همراه بود و امنیت را به سرحدات بازگرداند.

۳. ویران کردن مسجد ضرار:

این مسجد که توسط ابوعامر منافق ساخته شده بود مرکز توطئه و جاسوسی بود. پیامبر پس از بازگشت از تبوک بلافاصله دستور داد این مسجد را ویران کنند. این بزرگترین ضربه به منافقان بود (توبه ۱۰۱ و ۱۰۲)

۴- نزول آیات سوره برانت (توبه):

نزول ۴۰ آیه اول سوره توبه و به دستور وحی پیامبر آن را به امام علی داد تا در مراسم حج در «منا» خوانده شود و قطعنامه عدم حضور کافران در مراسم حج

۵- سنه الوفود:

سران قبایل در این سال (۹۹ ق) برای اسلام آوردن، تسلیم گردیده برای انعقاد قرارداد صلح پیش پیامبر (ص) آمدند.

رویدادهای سال دهم هجرت به بعد:

۱. گریستن پیامبر در سوگ فرزند

ابراهیم فرزند پیامبر از ماریه به پیامبر بخشیده شده بود به علت تب درگذشت و پیامبر در سوگ او همچون مرگ فرزند دیگرش «قاسم» در مکه، بسیار گریست.

۲- دعوت به مباحله با نمایندگان مسیحی نجران در مدینه:

پیامبر پس از مکاتبه با سران جهان بانزول آیه «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا...» (آل عمران ۶۴) طی نامه ای ساکنان مسیحی نجران را به آیین اسلام دعوت کرد، که حاضر به پذیرفتن اسلام نشدند و نمایندگان خود را به مدینه فرستادند و پیامبر آنان را به امر خدا به مباحله دعوت کرد.

مسیحیان از مباحله خودداری کردند و با پرداخت «جزیه» (آیه ۲۹ توبه نزول در سال ۹۹ ق) از پیامبر خواستند تا اجازه دهد که تحت حکومت اسلامی در آیین خود باقی بمانند.

نزول آیه تطهیر «احزاب ۳۳» در روز مباحله

ادامه رویدادهای سال دهم هجرت به بعد:

۳- حجه الوداع:

سه رسالت مهم پیامبر در این سفر حج: الف) تعلیم صحیح حج و مناسک آن ب) لغو امتیازهای جاهلی ج) تعیین جانشین و رهبری و ولایت

۴- واقعه غدیر:

نزول آیه ابلاغ (۶۷ مانده)، برگزاری مراسم در سرزمینی نزدیک جُحْفَه در نقطه ای به نام غدیر خم، ایراد خطبه غدیر و اعلان جانشینی امام علی (ع) «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ»

۵- پیامبران دروغین:

الف) اسود عسی: در یمن، اولین پیامبر دروغین در زمان پیامبر، کاهنم وحیله گر، شهرین بازان عامل پیامبر راکشت و زنش را به همسری گرفت. پیامبر دستور قتل او را داد، مسلمانان با همدستی زنش او را کشتند، خبر وقی به مدینه رسید که پیامبر رحلت کرده بود.

۵- پیامبران دروغین:

ب) طَلِيحَه بن خُوَيْلِد: از قبیله بنی اسد در «نجد» در سال ۹ ه ق مسلمان شد، در زمان حیات پیامبر ادعا کرد. به مدینه حمله کرد خالد بن ولید او را شکست داد به شام گریخت و دوباره مسلمان شد.

ج) سجاح: از قبیله بنی تغلب که یک زن بود، به قصد تسخیر یمامه (سرزمین مسلمة کذاب) حمله کرد اما مسیلمه با دادن غله و وعده او را راضی ساخت و برگشت. گویند با مسیلمه ازدواج کرده است. از زندگی او خبری نیست.

د) مسيلمه كذاب: در يمامه بود وبه شيوه كاهنان صحبت مي كرد و آنان را وحى مي دانست. براي اظهار اسلام به مدينه آمد بعد گفت پيامبر مرا شريك خود ساخته است.

ابوبكر اكرمه بن ابى جهل را فرستاد كه شكست خورد بعد خالد بن وليد را فرستاد جنگ خونيني درگرفت و مسيلمه كشته شد. (سال ۵۱۲ ق)
۶- اعزام سپاه:

رسول خدا در سال ۵۱۱ ق سپاهي به فرماندهي اسامه بن زيد (سن او ۱۳ تا ۲۱ سال ذكر كرده اند) براي سرحدات روم آماده اعزام نمود. همه مهاجرين و انصار جز علي (ع) را براي شركت در اين اردو امر كرد.

به روايت شيعه: اكثر كساني كه با حديث غدير بعد از رحلت رسول مخالفت مي كردند، در ليست سپاه اسامه ديده مي شود. (عمر، عثمان و...) به بهانه بيماري پيامبر نرفتند.

اين اولين موضوعي است كه در سال ۵۱۱ ق با پيامبر صريحا مخالفت شد.

۷- طلب نمودن دوات و صحيفه:

پيامبر در آخرين لحظات عمرشان طلب دوات و صحيفه كردند براي نوشتن وصيت كه برخي از اطرافيان مانع شدند. اين مطلب مورد تاثير شيعه و اهل سنت است. (مثل ونحل شهرستاني كه سني متعصب است اين را آورده است)

*اين دومين موضوعي است كه در سال ۵۱۱ ق با پيامبر صريحا مخالفت شد.

۸- بيان حديث ثقلين: آمدن پيامبر به مسجد و سخنراني كردن با بدن تبار و بيان حديث معروف ثقلين.

فصل اول:

بررسی امامت و خلافت در سیره رسول(ص)

۱. امامت و خلافت عامه در سیره رسول الله(ص)

ضرورت بررسی امامت و خلافت و حوادث تاریخی هنگام رحلت رسول خدا(ص). بسیاری از اهل سنت شیعه و مکتب اهل بیت را در کنار مذاهب چهارگانه خود هم نمی آورند و حتی آن را ساخته و پرداخته بیگانگان(یهود و مجوس) می دانند.

۲. خطوط رهبری در سیره پیامبر(ص)

بسیاری از اهل سنت می پندارند پیامبر کسی را تعیین نکرده و خلافت را به اختیار و انتخاب مردم واگذار کرده اما این باسیره پیامبر سازگاری ندارد. زیرا پیامبر حتی اگر برای دو یا سه روز به جایی می رفت، کسی را جانشین خود قرار می داد.

به طور مسلم پیامبر در فکر آینده اسلام و مسلمانان بوده است و حتما کسی را معین کرده است.

آیات و روایات زیادی به فضیلت و برتری علی(ع) به خلافت دلالت دارد.

۳. رهنمودهای پیامبر در سیره

مهمترین حرف علمای اهل سنت آن است که پیامبر در سیره و حیاتش کسی را برای جانشینی و خلافت، امامت تعیین نکرده و به همین جهت صحابه ضرورت دیدن که ابوبکر را انتخاب کنند.

۱. در نخستین لحظات دریافت وحی، «أَنْتَ تَسْمَعُ مَا أَسْمَعُ وَ تَرَى مَا أَرَى إِنَّكَ لَسْتَ بِنَبِيِّ لَأَنْكَ وَزِيرٌ»

۲. دعوت عشیره اقربین(شعراء ۲۱۴) آغاز دعوت آشکار پیامبر

۳. روسای قبیله بنی عامرین صعصعه در آخرین سال های پیامبر در مکه شرط پذیرش اسلام را سهمی شدن در خلافت پیامبر گذاشتند که پیامبر فرمود «الامرُ الى الله يَضَعُهُ حَيْثُ يَشَاءُ...»

۴. حدیث منزلت: «أَنْتَ مَنَى بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي» پیامبر در جریان عقد اخوت و درجنگ تبوک

۵- جانشینی امام علی (ع) در شهر مدینه در جریان جنگ تبوک

۶. نزول آیه برانست در سال نهم هجرت و ماموریت ابلاغ آن در مراسم حج و در انبوه مشرکان

۷. در جریان مباحله (۶۱ آل عمران) پیامبر ضمن اشاره به امام علی(ع) می فرماید: «هَذَا أَنفُسُنَا» این جان من است.

۸. طبق روایت عایشه در روز مباحله پیامبر(ص)، امام علی(ع)، حضرت فاطمه(س)، امام حسن(ع) و امام حسین(ع) را زیر کساء قرار داد و آیه تطهیر(احزاب ۳۳) نازل شد.

۹. آیه ولایت(۵۵ مائده) ده ها کتاب اهل سنت نیز تصریح کرده که منظور از آیه امام علی (ع) است.

۱۰. جریان واقعه غدیر در حجه الوداع

۱۱. حدیث سفینه: پیامبر اهل بیت خود را عامل نجات امت از غرقاب حوادث و توفان های سیاسی معرفی می کند

۱۲. حدیث ثقلین در روز های آخر عمر شریفش با حالت تب و بیماری به مسجد آمدند و ضمن ایراد خطبه یک بار دیگر در حدیث ثقلین فرمود: «إِنِّي تَارِكٌ.....»

۱۳. تقاضای دوات و قلم وصحیفه در آخرین لحظات، تا مسلمانان بعد از او گمراه نشوند.

۱۴. ترتیب اردویی برای سرکوبی شام و روم به رهبری اسامه که کمتر ۲۰ سال داشت به منظور تثبیت خلافت و امامت بود.

۱۵. در طائف پیامبر با علی (ع) نجوای طولانی کرد. گفتند: «با پسر عمت نجوای طولانی کردی» آن حضرت فرمود: «من نجوا نکردم بلکه خدا با او نجوا کرد.»

فصل دوم:

تاریخ خلافت خلفاء

جریان سقیفه بنی ساعده:

سقیفه در ناحیه ی شمال (غربی مسجدالنبی) وبا فاصله کمتر از یک کیلومتر از خانه پیامبر(ص) قرار داشت. سایبان کوچکی بود که جمعا یکصد نفر را در خود جا می داد. آن جا محل اجتماع مردم مدینه از جمله اوس و خزرج بود.

علت اجتماع مردم در سقیفه گفتگو برای تعیین سرنوشت و وضع سیاسی بعد از پیامبر بود.

ریاست سعد بن عبادہ بزرگ خاندان قبیله خزرج به ظاهر مورد اتفاق آن ها بود.

ابوبکر و عمر و ابو عبیده سه قاعده یک مثلث و یک حزب بودند و با ابتکار سیاسی وارد صحنه شدند و رشته امور را به دست گرفتند.

تقدم مهاجرین و عشیره پیامبر و نزدیکی با او در اولویت خلافت مطرح گردید و عمر فوراً دست ابوبکر را به عنوان بیعت فشرده.

ابوبکر را با سلام و صلوات به مسجد آوردند و چون هنگام نماز بود او را جلو انداختند. سپس با چند جمله و یک خطبه کوتاه به عنوان خلیفه مطرح شد. ابوبکر منتخب همه مسلمانان نبود بلکه خلیفه انتصابی چند نفر و گروه کوچک بود، که به قدرت رسید.

* کسانی که با ابوبکر بیعت نکردند: سعد بن عبادہ که بعداً ترور شد. امام علی (ع) و بنی هاشم، عباس بن عبدالمطلب، ابوذر، مقدادریال سلمان، سعد بن ابی وقاص، طلحه و زبیر

ابوسفیان به امام علی پیشنهاد خلافت داد به خاطر تعصب هم قبیله ای

علت تشکیل سقیفه از طرف انصار:

انصار برای خصومت مستقیم با علی(ع) یا رد خلافت آن حضرت اقدام ننموده اند بلکه عوامل دیگری آنان را وادار به این کار:

۱. می خواستند پیش دستی کنند که رودست نخورند. ولی اوضاع به نفع قریش شد.

۲. آنان با آگاهی از جریانات پشت پرده و پنهانی پس از غدیرخم، می دانستند قریش درصدد کنار زدن علی (ع) می باشند.

۳. بعد از به تاخیر انداختن جیش اسامه؛ رفت و آمد مشکوک برخی از سران مهاجر به مدینه؛ تخلف علنی ابوبکر و عمر و... از دستور صریح و تاکید فراوان پیامبر درباره حرکت آن ها با جیش اسامه و عذر و بهانه آن ها که پیامبر مریض است و ما نمی توانیم او را در بستر بیماری ترک کنیم؛ شایعات تعصب خلافت و نادیده گرفتن نص و دستور پیامبر درباره علی و اهل بیت، این امر را مسلم کرده بود.

۴. انصار از انتقام قریش و مهاجرین وحشت داشتند.

۵. چون انصار زمینه هجرت پیامبر رافراهم کردند، و... کینه توزان قریش به همان اندازه که از علی به دلیل فداکاریها و پیروزیهایش نفرت داشتند، از انصار نیز خشنود نبودند انصار می خواستند پیش دستی کنند و از تمرکز قدرت در دست مهاجران و فرزندانسان جلوگیری کنند.

شواهد:

الف) ابن اثیر: در سقیفه برخی از انصار گفتند: «جز با علی بیعت نمی کنیم»

ب) یعقوبی: در سقیفه گفتند: «اگر علی در این جا بود حتی دو نفر هم بر سر خلافت او اختلاف نمی کردند.»

ج) بعدها اوس و خزرج پشیمان شدند و یکدیگر را متهم کردند که شما زودتر بیعت کردید.

علل سکوت علی(ع):

قیام نکردن و سکوت امام علی دلایلی دارد که می توان در کلام آن حضرت یافت: «هنگامی که دیدم یاوری جز اهل بیت ندارم از مرگشان بخل ورزیدم و در حالی که خاشاک در چشمم، مرا می آزد، چشم پوشیدم و با شدت ناراحتی از زخم گلو آن رانوشیدم و در نهایت خشم صبر کردم.»

*در پاسخ نامه معاویه نیز می فرماید: «اگر چهل مرد صاحب عزم و اراده می داشتم، قیام می کردم.»

این امر مسلم است نزد شیعه و سنت که امام بیعت نکرد اما این که تا کی و چه زمانی، مشخص نیست.

اهل سنت و حتی بخاری و مسلم در صحیح خود، نقل کرده اند که تا زمانی که فاطمه زهرا (س) زنده بود، بیعت نکرد و بعد از وفات آن حضرت بیعت کرد.

اعتراف خلفاء بر حقانیت و اولویت علی(ع):

۱. عمر بارها اعتراف کرده که علی شایسته ترین مرد برای خلافت و رهبری بود. او به ابن عباس گفت: «علی شایسته ترین فرد برای خلافت بود، ولی من از دو چیز می ترسیدم، اول اینکه او جوان بود، دوم اینکه محبت او نسبت به بنی عبدالمطلب زیاد بود.»

موارد بسیاری وجود دارد که عمر می گوید: «لَوْ لَا عَلِيٌّ لَهْلَكَ الْعَمَرُ.»

۲. ابوبکر نیز در مواردی به فضایل و برتری علی اعتراف می کند.

واقعی صاحب المغازی می گوید:

«علی معجزه پیامبر بود همچنان که عصا معجزه موسی(ع) و احیاء موتی (زنده کردن مرده ها) معجزه عیسی(ع) بود.»

از عایشه به تواتر نقل شده است که علی دانا ترین مردم به سنت پیامبر بود.

فصل سوم:

تاریخ خلافت امام علی (ع)

گروه هایی از مردم کوفه، مصر و مکه و اجتماع عظیمی از مردم مدینه و اطراف مدینه که برای قتل عثمان به مدینه آمده بودند در روز ۱۸ ذیحجه سال ۳۵ ه.ق با امام علی (ع) بیعت کردند.

حضرت با وجود اصرار زیاد مهاجرین و انصار و مسلمانان، به پذیرش خلافت مایل نبود و طی سخنانی اتمام حجت کردند.

بیعت کنندگان با علی (ع):

۱- گروه مهاجر: از جمله مقداد، عمار و....

۲- گروه انصار: از جمله ابویوب انصاری و خالد بن زید و....

۳- گروه بنی هاشم: دوستان و شیعیان آن حضرت مانند محمد بن ابوبکر، مالک اشتر، کمیل بن زیاد و....

۴- سایر گروه ها از مکه و مدینه و عراق (بصره و کوفه) و مصر

دلایل استنکاف امام علی (ع):

در هنگام تهاجم مردم به خانه امام برای بیعت به عنوان خلیفه، او پاسخ مثبت نداد با اینکه خلافت حق او بود، فرمود «به سراغ دیگران بروید.»

۱- مردم از سنت واقعی پیامبر فاصله گرفته بودند و پست ها و بیت المال بی حساب تقسیم شده بود و بازگرداندن سنت و زدودن بدعت ها کار آسانی نبود و اگر می خواست سنت پیامبر را اجرا کند با مخالفت های شدیدی روبه رو می شد.

۲- از کلام امام می توان فهمید که می خواهد اتمام حجت کند زیرا روحیه مردم را می شناسد. لذا ابتدا نمی پذیرد تا آن ها اصرار کرده و با پافشاری خود براین موضوع، تعهد درونی خود را به اثبات رسانند.

۳- حضرت با علم و درایت و صبر و حوصله و قاطعیت بعد از اتمام حجت، حراست اسلام راستین را دنبال می کند. و می فرماید: «.....اگر نبود عهد و مسئولیتی که خداوند از علما و دانشمندان گرفته که در برابر شکم خوارگی ستمگران و گرسنگی ستمدیدگان سکوت نکنند، من مهار شتر خلافت را رها می کردم و از آن صرف نظر می کردم. « خطبه ۶۳ شششنبه

مهمترین مشکلات دوران خلافت امام علی(ع)

مشکلات دوران خلافت امام را می توان ناشی از دوران خلافت عثمان دانست از جمله:

*مشکلات قتل عثمان:

به دو دلیل امام مخالف قتل عثمان بود و حتی امام حسن(ع) و امام حسین(ع) را برای جلوگیری از کشتن او فرستاد:

اول اینکه حضرت نمی خواست خلیفه کشی باب شود.

دوم حضرت نمی خواست با کشته شدن عثمان افرادی همچون معاویه که منتظر فرصت برای رسیدن به قدرت بودند، سوء استفاده کنند.

اما حوادث به گونه ای رقم خورد که بعدها به غلط امام را مسئول قتل عثمان دانستند و حتی گروه هایی به طمع رسیدن به قدرت و به بهانه خونخواهی عثمان، علیه امام قیام کردند. از جمله معاویه، عایشه، طلحه و زبیر و... که جنگ های جمل و صفین را به راه انداختند.

*مشکل اجرای عدالت اقتصادی:

مخالفت امام با شیوه تقسیم غنایم و مقرری در دوران خلفای پیشین که بر اساس ترجیح قریش بر غیر قریش و انصار بر مهاجرین و عرب بر غیر عرب، بود. که از نظر امام شرعی نبود.

تقسیم عادلانه بیت المال بر اساس هر نفر ۳ دینار بین همه از جمله اشراف و بزرگان و موالی و غیر عرب.

بسیاری از مورخان معتقدند که علت حمایت نکردن اعراب از علی (ع) آن بود که در تقسیم اموال شریف بود و صاحبان مقام را بر غیر عرب و عرب را بر عجم برتری نداد.

* مشکل برخورد با غارتگران بیت المال:

حاکمان ولایات و بنی امیه که سهم زیادی از بیت المال را صاحب بودند علم مخالفت برداشتند و در مقابل علی (ع) قرار گرفتند.

از برنامه های اصلی امام بازگرداندن اموال اختلاس شده از بیت المال بود.

* مشکل عزل حاکمان فاسد و ظالم:

عزل حاکمانی که بیش از ۱۵ تا ۲۰ سال ریشه ی مادی و نظامی و قبیله ای داشته اند.

امام در اولین حرکت برخی از کارگزاران فاسد عثمان را از مناطق شام، بصره، یمن، مکه و مصر برکنار کرد. از جمله سهل بن حنیف را به دمشق فرستاد و معاویه را عزل نمود.

نامه های زیادی بین امام و معاویه رد و بدل گردید، که معاویه خود را خونخواه عثمان معرفی نمود.

گونه شناسی مخالفان امام علی(ع):

۱- سران بنی امیه

۲- حسودان و رقیبان علی(ع) مثل طلحه و زبیر و عبدالله بن عمر و ...

۳- کسانی که از جنگ های بدر واحد نسبت به علی کینه در دل داشتند.

۴- خرده گیران و عیب جویانی که از برنامه اصلاحی علی ناراضی بودند.

۵- غارتگران بیت المال و آنان که در زمان عثمان اموال عمومی را به جیب می زدند.

۶- فتنه جویان که جز فتنه انگیزی کار دیگری نداشتند.

۷- خائنین به اسلام که فرصت را مغتنم شمردند.

۸- منافقان که در دل به اسلام ایمان نداشتند، ولی خود را مسلمان جا زده بودند.

علل انحراف از دین و سنت:

از موانع مهم بر سر راه اصلاحات امام علی(ع) انحراف از دین و سنت پیامبر بود دلایل این انحراف:

۱- تز «حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ» و شعار ابوبکر و عمر که در روز فوت پیامبر (هر کس پیامبر را می پرستید، او مرده است و...) اعلان ترک عترت و حتی سنت

۲- در آغاز خلافت ابوبکر گفت: «رسول خدا مستظهر به وحی بود، ولی دست من از وحی کوتاه است. پس به اجتهاد و مصلحت اندیشی خود عمل می کنم.» این اجتهاد عامیانه حد و مرزی نداشت.

۳- ممنوعیت نوشتن احادیث پیامبر به بهانه این که با وحی و قرآن آمیخته نشود و جلوگیری از نقل آن از عواملی بود که جامعه اسلامی را به تدریج از سنت صحیح پیامبر دور و نا آشنا ساخته بود.

فصل چهارم:

تاریخ جنگ های امام علی (ع)

۱. فلسفه جهاد علیه قاسطین، ناکثین و مارقین

امام علی (ع) در طول حکومت ۵ ساله خود با سه گروه مبارزه کرد:

۱- ناکثین (پیمان شکنندگان) جنگ جمل

۲- قاسطین (ظالمین) جنگ صفین

۳- مارقین (خارج شدگان از دین) جنگ نهروان

دلایل جنگ های امام علی(ع):

الف) این درگیری ها برای جلوگیری از انحراف اساسی در دین و نشان دادن چهره باطنی این سه گروه و بر چسب باطل زدن بر ادعاهای ناکثین و قاسطین و مارقین بود.

ب) براساس دستور پیامبر برای جلوگیری از تأویل نابجا، روی سکوت و قیام و جنگ و صلح امامان معصوم حساب شده و مطابق وصایای پیامبر می باشد.

۲. جنگ جمل

این جنگ پس از پنج ماه و بیست و یک روز از قتل عثمان به وقوع پیوست.

«طلحه بن عبیدالله» و «زبیر بن عوام» به بهانه عمره به مکه آمدند، و طرفداران خود را به مکه فراخواندند و عمال معزول خلافت عثمان از جمله «عبدالله بن عامر» (حاکم بصره) «عبدالله بن عامر» (حاکم صنعا) و «وهب بن منبه» (حاکم یمن) و همه فراریان بنی امیه و افراد بد سابقه و دشمن اسلام و علی(ع) مانند: ولید بن عقبه، سعید بن عاص، مروان حکم به اصطلاح به خونخواهی عثمان قیام کردند.

* پیوستن «عایشه» به آنها به دلیل دشمنی با امام (عایشه به دلیل هم قبیله ای با طلحه(بنی تیم) خواستار خلافت او بود.) ام سلمه او را از این کار منع نمود که نپذیرفت.

* معاویه طی نامه ای به زبیر او را به قیام علیه علی و خوانخواهی عثمان تشویق و ترغیب کرد.

با نیرنگ و پیمان نامه وارد شهر بصره شدند و شبانه با حمله به محل استقراروالی امام یعنی «عثمان بن حنیف» و کشتن تعدادی از نگهبانان، بصره را به دست گرفتند.

امام با سپاهی نزدیک ۱۹۰۰۰ به «ذی قار» واز آن جا راهی بصره گردید.

امام سعی نمود از برخورد نظامی جلوگیری کند و از آنان خواست تا خواسته های خود را بیان کنند. امام نامه ای به عایشه و نامه ای به طلحه و نامه ای به زبیر نوشت و آنان را متوجه خطاها و اشتباهاتشان نمود.

آنان خون عثمان را بهانه کردند. امام صبرکرد تا دشمن جنگ را آغاز کند.

در اثنای جنگ امام می فرمود: «جمل را بزنید» چون عایشه از روی شتر جنگ را فرماندهی می کرد و عده زیادی از او محافظت می کردند.

سرانجام شتر عایشه پی شد و جنگ پایان یافت. امام دستور داد هیچ مجروحی را نکشند هیچ اسیری را دنبال نکنند و هیچ غنیمتی از دشمن برندارند.

جنگ در ۱۲ جمادی الاخر سال ۳۶ ه ق پایان یافت.

از اصحاب جمل ۱۳۰۰۰ نفر و از اصحاب امام هزار نفر (و به قولی کمتر) کشته شدند.

مسعودی در مروج الذهب می نویسد: «علی(ع) عبدالرحمن بن ابی بکر را با ۳۰ مرد و ۲۰ زن همراه عایشه برای محافظت او فرستاد.»

امام بیت المال بصره را به طور مساوی تقسیم کرد.

۳. جنگ صفین

جنگ صفین یا جنگ با قاسطین(ظالمان) مصداقی از آیه ی ۱۵ سوره «جن» است: «وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَبِطًا»

این در روز چهارشنبه اول صفر سال ۳۷ ه ق به فاصله هفت ماه ونیم بعد از جنگ جمل اتفاق افتاد.

معاویه ابی سفیان و مشاور کاردانش عمرو بن عاص طرف جنگ امام بودند.

معاویه که در جریان قتل عثمان سپاهی برای کمک به او اعزام نکرد پس از به خلافت رسیدن امام و عزل او از شام، به خونخواهی عثمان علم مخالفت را برداشت.

امام با تجهیز سپاهی بالغ بر نود هزار نفر از مردم مدینه، بصره و کوفه عازم صفین شد. سپاه معاویه زودتر وارد صفین شد و معابر ورود آب را بر روی سپاه امام بست اما با یورش و حمله ای از سپاه امام، آب را از آنها گرفت.

جنگ صفین صدوده روز به طول انجامید و در این مدت جمعاً نود درگیری به وقوع پیوست.

۴۵ هزار نفر از سپاه معاویه و ۲۴ هزار نفر از سپاه امام علی(ع) کشته شدند.

*سرنیزه کردن قرآن ها به تدبیر عمرو بن عاص در حالی که جنگ در حال اتمام به نفع سپاه امام بود.

*پذیرش حکمیت و پیدایش خوارج از میان سپاه امام علی(ع)

پیشنهاد امام برای حکمیت عبدالله بن عباس یا مالک اشتر بود. اما سپاه عراق به این کار رضایت نداد و گفتند: ما حکمیت کسی جز ابوموسی اشعری را نمی پذیریم.

عمرو بن عاص، ابن عباس، مضری(شمالی) است- ابوموسی، یمنی (جنوبی)- اشعث بن قیس در رأس مخالفین یمنی (جنوبی) بیشتر سپاه معاویه نیز یمنی اند.

علت انتخاب ابوموسی توسط سپاهیان امام:

۱- ضربه زدن دوباره منافقین به علی (ع)

۲- تعصبات قبیله ای

انگیزه منافقین سپاه امام که افراد ساده لوح را تحریک کردند دینی نبود بلکه سیاسی و تعصبات قبیله ای بود.

دو نماینده با جمعی از سپاه در مکانی به نام «دومه الجندل» اجتماع کردند. پس از چند جلسه مذاکرات، عمرو بن عاص از حماقت ابوموسی استفاده خ کرد و پیشنهاد نمود تا طرفین (علی و معاویه) را از خلافت عزل کرده و انتخاب را برعهده مردم بگذارند.

۴. جنگ نهروان با خوارج (مارقین)

وجه تسمیه: به دلیل خروج از شهر کوفه و رفتن به نهروان، به دلیل خروج بر امام وقت.

*«مارقین» جمع «مارق» است یعنی خارج شدن تیر به سرعت از کمان (خارج شدن از دین)

*از اشکالاتی که بر امام گرفتند: چرا در جمل اموال را نگرفتند و در صفین اموال را گرفتند؟ چرا حکمیت را امام پذیرفت؟ چرا به انتخاب ابوموسی رضایت داد؟ می گفتند امام نیز مانند ما باید توبه کند وگرنه کافر شده است برای همین جنگ نهروان راه انداختند.

*مذاکره امام با خوارج و بازگشت تعدادی از آن ها به کوفه

* در حالی که امام سپاهی را برای حمله به شام تدارک می دید، جنایت های خوارج در نهروان از جمله کشتن عبدالله بن خباب و همسر آستن و فرزند او را و همچنین کشتن پیک امام «حارث بن مره عبدی» امام با سپاهش به جای شام به سراغ نهروانیان رفت.

تعدادخوارج در حروراء حدود ۱۲۰۰۰ نفر بود اما در جنگ نهروان تعدادشان ۴۰۰۰ نفر ذکر شده است. این اثیر تعداد آن ها را ۱۸۰۰ نفر ذکر کرده است. همگی به جز تعداد اندکی (کمتر از ده نفر) طبق پیش بینی امام کشته شدند.

این جنگ در نهم ماه صفر سال ۳۸ ه.ق صورت گرفت. و فتنه خوارج به ظاهر پایان یافت. در دوره های بعدی نیز شاهد قیام خوارج هستیم.

*هیچ نیروی نظامی نتوانست با آن ها برخورد کند و آن ها را از بین ببرد فقط فرقه گرایی خودشان باعث تضعیف و شکستشان شد.

*فرق زیادی دارند که معتدل ترین آنها «اباضیه» است که تا امروز باقی است.

*تا اواخر قرن اول هجری مرکز فعالیتشان عراق و کوفه است، اما در اواخر قرن اول هجری به افریقا و ایران (سیستان و بلوچستان و اهواز) می روند.